

چالش فرهنگی فرد در راه پیشرفت

نرگس نجارپور نصرآبادی^۱

چکیده:

انسان برای این که بتواند خود را با دیگران هماهنگ کند و در حال مسالمت به سر برد، شایسته است که، دامنهٔ حب ذات و خودخواهی را محدود کند و در ایجاد موازنه میان خود دوستی و نوع دوستی و همکاری با مردم، و دراز کردن دست یاری به سوی آنان، بکوشد. زندگی اجتماعی با ناملایمات و نزاعهایی آمیخته است که از تراحم منافع افراد با یکدیگر ناشی می‌شود که در این حال، خشم و پرخاشگری و نیز نزاع و درگیری بی‌مورد، در وهلهٔ نخست، آرامش روحی روانی فرد را از بین می‌برد. پیشرفت و ترقی همه ملت‌ها جدا از نوع حکومت و ساختار سیاسی، رابطه مستقیمی به نوع فرهنگ، خصوصیات فردی و گروهی مردم دارد. وجود برخی خصایص منفی و نابهنجار در بین انسانها بطور غیر قابل انکاری میتواند در مسیر رشد و پیشرفت جوامع تأثیری شگرف برجای بگذارد. از این رو خداوند متعال انسانهایی که به جای زیاده روی در مقابل آن می‌ایستند را ستایش می‌کند. ویژگی چنین ایمانی توازن میان خود دوستی و نوع دوستی است به طوری که هم منافع فرد و هم جامعه را حفظ می‌کنند. تنها در این صورت است که می‌توانیم افقی روشن و آینده‌ای تابناک را بخود نوید دهیم. این مقاله موانع فرهنگی فرد در راه پیشرفت را مورد بررسی قرار داده است. نتیجه حاصل از این تحقیق اثبات رابطه‌ی بین فرهنگ جامعه فرد و پیشرفت است. به عبارتی تحقق مطلوب فرهنگ فرد در پیشرفت جامعه نقش اساسی دارد.

واژگان؛ فرد، موانع فرهنگی، پیشرفت،

مقدمه

انسان، موجودی اجتماعی است که همواره در اجتماع زندگی کرده، نوعی رابطه همزیستی همه مردم را به هم مربوط ساخته است، به گونه‌ای که هیچ گروه یا فرهنگی نمی‌تواند جدا یا مستقل بماند. نیازهای مشترک اجتماعی و روابط ویژه زندگی انسانی، انسان‌ها را آن‌چنان به یکدیگر پیوند می‌زند و زندگی را آن‌چنان وحدت می‌بخشد که افراد را در حکم مسافرانی قرار می‌دهد که در یک اتومبیل و یا یک هواپیما یا یک کشتی سوارند و به سوی مقصدی در حرکت‌اند و همه با هم به منزل می‌رسند و یا همه با هم از رفتن می‌مانند و همه با هم دچار خطر می‌گردند و سرنوشت یگانه‌ای پیدا می‌کنند. چه زیبا مثلی آورد رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) آنجا که فلسفه امر به معروف و نهی از منکر را بیان می‌کرد:

« گروهی از مردم در یک کشتی سوار شدند و کشتی سینه دریا را می‌شکافت و می‌رفت. هر یک از مسافران در جایگاه مخصوص خود نشستند بود. یکی از مسافران به عذر اینکه اینجا که نشسته‌ام جایگاه خودم است و تنها به خودم تعلق دارد،

۱- کارشناس روانشناسی کودکان استثنایی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز Mina.nasrabadi@gmail.com

هفتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ از الگوی پایه به سوی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ نوزدهم و بیستم اردیبهشت ماه ۱۳۹۷

با وسیله‌ای که در اختیار داشت به سوراخ کردن همان نقطه پرداخت. اگر سایر مسافران هم آنجا دست او را گرفته و مانع می‌شدند، غرق نمی‌شدند و مانع غرق شدن آن بیچاره نیز می‌شدند».

اجتماعی شدن^۱ اخذ شیوه‌های فرهنگی، ارزش‌ها، هنجارها و نمادهای جامعه است. این روند از آغاز تولد شروع می‌شود و در تمامی طول حیات آدمی ادامه می‌یابد و پایانی نمی‌شناسد مگر با مرگ. بدون شک، فرایند اجتماعی شدن از کودکی تا پیری به گونه‌ای پیوسته ادامه دارد، اما دوره کودکی قابلیت انعطاف بیشتری دارد و کودک با چنان سهولت و سرعتی می‌آموزد که هرگز در طول حیات خویش دوباره این توانایی را نخواهد یافت. می‌توان ادعا کرد که رفتار وضع نفسانی اشخاص آئینه فرهنگ آنهاست و شخصیت تا حد زیادی نماینده ویژگیهای عناصر و عوامل فرهنگ موجود در محیط است. در واقع، تحول شخصیت آدمی بر اثر جریان فرهنگی شدن وجود می‌آید، زیرا انسان در روابط اجتماعی با افراد دیگر، میراث‌های جامعه را می‌گیرد و به فرهنگ جامعه پیوند می‌خورد (کلاین^۲، ترجمه کاردان، ۱۳۴۲: ۳۷۷).

هر پیشرفتی مستلزم تغییرات است و فرآیند توسعه بدون تغییرات عمیق در ساختارهای فرهنگی و اجتماعی، محقق نخواهد شد. بعد فرهنگی تنها یکی از اجزای پیشرفت نیست، بلکه عامل اساسی است. یعنی پیشرفتی که نتواند حیات فرهنگی را تشخیص دهد و از آن بهره‌مند شود یا از نظام‌های ارزشی، سنت‌ها، باورها و... چشم‌پوشی کند، موفق نخواهد بود. پیشرفت که بعد فرهنگی را نادیده بگیرد، متکی بر الگوهای خارجی است و خلاقیت فرهنگ بومی را از رشد باز می‌دارد و ظرفیت جامعه را برای مقابله با فرهنگ و الگوهای ناخواسته خارجی و وارداتی سست می‌کند و این امر موجب بی‌قاعدگی فرهنگی می‌شود. فرآیند توسعه‌ی فرهنگی محصول ساز و کارهای تاریخی، سیاسی، اجتماعی، خانوادگی و غیره است که به تدریج شکل می‌گیرد و به تدریج هم تغییر می‌یابد و یا از بین می‌رود. شاید یکی از پدیده‌هایی که مفهوم دگرگونی یک باره و یک دفعه (انقلاب) درباره آن صادق نباشد، همین فرهنگ و توسعه فرهنگی است. به عبارت دیگر پدیده فرهنگ و هویت فرهنگی در طول زمان در جوامع تثبیت می‌شود و در کوتاه مدت نمی‌توان آن را تغییر داد و به قول معروف یک شبه ره صد ساله رفت. جامعه ایران در طول تاریخ از یک پشتوانه فرهنگی ایرانی-اسلامی بسیار قوی برخوردار بوده و هست. طبق فرمایشات رهبر معظم انقلاب: «ما ملت بزرگی هستیم، ما دارای قدرت‌های فراوانی هستیم، ملت ما استعداد علمی و ذخایر فراوانی دارد و دارای سابقه تاریخی و ریشه‌های علمی و فرهنگی است و بالاتر از همه دارای ایمان اسلامی و توکل به خداست» (از متن سخنان مقام معظم رهبری در دیدارنامه جمعه و جماعت در تاریخ ۱۳۷۱/۴/۱۰).

پیشرفت از دستاوردهای بشر و پدیده‌ای است با ابعاد مختلف، و در محتوا دارای مشخصه‌های فرهنگی است، یعنی با سطح فرهنگ جامعه ارتباط تنگاتنگی دارد. هدف از پیشرفت ایجاد زندگی پر ثمری است که توسط فرهنگ تعریف می‌شود، به این ترتیب می‌توان گفت پیشرفت، دستیابی روزافزون انسان به ارزشهای فرهنگی نهفته خود است که باعث بهبود زندگی انسانها می‌شود. پیشرفت فرهنگی به این معناست که انسانها تا چه اندازه توانسته‌اند برای ارضای نیازهایشان راه‌های مناسب بیندیشند و ابزار مناسب ابداع نمایند، این در واقع به معنی پیشرفت فکری است، یعنی هر چه که یک جامعه و اعضایش قدرت تفکر و علم بیشتری داشته باشند، بهتر می‌توانند به اهدافشان دست یابند، بنابراین پیشرفت فرهنگی در درجه اول به معنی پیشرفت فکری است، پیشرفت فکری خود به این معنا است که یک شخص تا چه اندازه می‌تواند در زنجیره روابط علی پیش برود و به تعداد بیشتری از عوامل و روابط بین آنها بیاندیشد.

۱. Socialization

۲. Klein

این افزایش آگاهی همان چیزی است که الوین تافلر^۱ قبلاً از آن بعنوان مشخصه قرن ۲۱ یاد کرده بود. «فرهنگ، مبدا همه خوشبختیها و بدبختیهای یک ملت است» (امام خمینی).

پیشرفت فرهنگی مدعی است ابتدا باید ساختار ذهنی شهروندان مدعی پیشرفت به سمتی هدایت شود که از آن به اصلاح تفکرات فردی و جمعی یاد می شود. به عبارتی باور هر فرد این باشد که علت هایی، معلول هایی را بوجود می آورند و جنس این دو، یکسان است. اگر مسائل اجتماعی رخ می دهد حتماً دلایل اجتماعی به ایجاد این معلول منجر شده اند. بنابراین نباید در وادی سراب به دنبال دلایل بود. باید در عرصه های واقعی و از جنس خود معلول به دنبال رفع آن مسائل رفت. به عنوان نمونه، آسیبهای خانوادگی در سایه علت هایی از جنس خانواده به این اتفاقات منجر شده اند و راهکارهای رفع آن نیز در این مسیر باید جستجو شود. اگر بسترهای مناسب توزیع فرصت ها در خانواده رخ دهد، این مشکلات به وجود نخواهد آمد. امروزه در راستای جهانی شدن و مباحثی که پیرامون جهانی سازی مطرح است. برای تحقق یافتن اهداف پیشرفت اقتصادی و سیاسی و اجتماعی، انسان هایی مورد نیازند که ذهن و نگرش آنها متحول شده باشد، یک شهروند توسعه یافته از لحاظ فرهنگی که صاحب یک پیشرفتگی فکری است می تواند براحتی از معلول به تمام علت ها پی برده و در راستای حذف آن علت ها قدم بردارد. ابتدا از خود و سپس در اجتماع بیرونی خود. از طریق مشارکت هایی در قالب انجمن^۲ ها یا سازمانهای غیر دولتی تا مشارکت در طرحهای دولتی و غیره.

این رشد آگاهی میتواند ما را در مقابل پذیرش یا عدم پذیرش مسائل در جامعه مسئول سازد تا با احتیاط و تامل و تحقیق بیشتر موضع گیری نماییم. با این اوصاف بد نیست ذهن خود را در معرض آزمون قرار دهیم و بعنوان یک شهروند در حال توسعه بیندیشیم و بینیم سلسله عوامل این ناهنجاری تا کجا ریشه دوانده و این مضرات ریشه در چه علل و عواملی دارد؟ (سریع القلم، ۱۳۸۶: ۱۵).

اما متأسفانه کشور ما در زمان های مختلف مورد تهاجم فرهنگ های بیگانه قرار گرفته است و آسیب های زیادی در این زمینه دیده است. بازگشت به این هویت می تواند در بلند مدت آسیب های وارده را ترمیم کند. آثار این آسیب های فرهنگی در جامعه ما (در کنار تمام ویژگی های شخصیتی متعالی و انسانی مردم کشور ما) به چشم می خورد. برخی از این نشانه ها عبارت هستند از: روحیه بی اعتمادی، فقط به خود اندیشیدن برای حفظ امنیت و منافع خود، پیدا کردن مستمسکی قانونی برای فرار یا سوء استفاده از قانون، فساد اداری و توسعه سودجویی سریع، توسعه دلالی به جای توسعه کار مولد، فرد گرایی و ... این ویژگی های منفی با نهادینه شدن در فرهنگ و زندگی روزانه موانع بزرگی بر سر راه تغییرات مثبت اجتماعی و سیاسی بر جای می گذارند. صفاتی که عمدتاً ارتباطی به نوع حکومت نداشته و معمولاً ریشه در تربیت، شخصیت و اعتقادات مردم دارد) (بهزادپور، ۱۳۸۲: ۴۲).

چالش

۱. رشد آرزوهای دست نیافتنی (طول امل)

ارائه عناصر بیگانه بعنوان جلوه ای برتر، سبب گشته که افراد آرزو مندانه نسبت به آنها بنگرند، و نوعاً از موقعیت و جایگاهی که خود دارند راضی نباشند، لذا سعی می نمایند خود را بیش از همه به آن عناصر نزدیک کرده و فاصله خود را با متأخرین و عقب مانده ها! بعنوان افرادی پیش رو متری حفظ نمایند.

۱. Alvin Toffler

۲. GLOBALIZATION

۳. NGO

و به سبب آنکه دستیابی به موقعیت های مادی با لاتر محدود بوده، در زمان محدود نمی تواند متحقق گردد، لذا افراد به و در این روند تمامی افرادی را که به گونه ای به زندگی خود قانع بوده و مظاهر بیگانه را رعایت نمی نمایند بعنوان افرادی عقب مانده، ناتوان، بی فکر، و بی عرضه معرفی نمایند. سوی تظاهر رفتاری در ارائه سطحی بالاتر از آنچه هستند، مبادرت می ورزند. و برای دستیابی به این هدف همه چیز را وسیله قرار می دهند، زیرا قضاوت عمومی، قضاوتی سطحی وابسته به ظاهر افراد است نه تفکر، تعقل و محتوای زندگی آنان.

۱. اشاعه چشم هم چشمی

مصرفی شدن جوامع عامل اصلی کاهش رشد اقتصادی و افزایش بدهی ها، فشارهای مالی و استرس است. این می تواند زنگ خطری برای آینده یک جامعه محسوب گردد. مردمی که بر اثر جابجا شدن ارزشهای فرهنگی با سرعتی سرسام آور به سمت تجمل گرایی و مصرفی شدن پیش می روند، در حقیقت منابع مالی خود را در اختیار بازارهای فرصت طلب قرار می دهند. که این خود فشارهای همه جانبه ای را از لحاظ مالی و روحی به افراد وارد خواهد آورد. امروزه می بینیم که مردم برای چشم و هم چشمی و خریدن اتومبیل لوکس تر، گوشی موبایل پیشرفته تر، اسباب زندگی گرانتر، لباسهای مارک دار و غیره در رقابتی تنگاتنگ با هم قرار گرفته اند. تجمل گرایی به هر قیمتی: وام، شغل دوم و سوم، استقراض، استرس و

۲.

۲. رشد تبعیض

ایجاد و رشد هر گونه تبعیض بشرط صحه نهادن آن در فرهنگ و عرف، زمینه تبعیضات آتی را فراهم خواهد آورد، اگر فرهنگ جامعه بصورتی القاء نماید که افراد می توانند زمینه دستیابی به مراتب بالاتر را بدون تلاش منطقی بدست آورند. هر کسی با هر نوع تفکر سعی خواهد نمود با استفاده از وسایل غیر منطقی و تبعیضی، بیشترین سود را برای ترقی خود ببرد، در این میدان تبعیض، زنان و مردان نیز بیکار نشسته و سعی می نمایند از همه وسایل حتی زیبایی های خود کمک گرفته تا رشد کاذبی را بدست آورند در این زمان، بعلت جابجائی ارزشها (جلوه گری بجای تفکر) افراد با تعارضی شدید مواجه می شوند، زیرا با وجود اعتقاد به ارزشها و تبلیغ عدالت برای توسعه امنیت عمومی سعی می نمایند خود را از روش عمومی جامعه کنار کشیده، و اجرای قانون را برای دیگران بخواهند نه برای خود.

۳. رشد حرص

قناعت و رضایت از داشته ها شرط اصلی رسیدن به خوشبختی است اما بسیاری هستند که هر چه دارند باز احساس کمبود میکنند و حرص و طمعی بی پایان برای جمع آوری مادیات در آنها موج میزند. آنها برای بدست آوردن از هیچ راهی چشم پوشی نمی کنند و اشتیهای سیری ناپذیرشان باعث می شود تن به هرکاری بدهند حتی اگر به حق کشی و صدمات جدی به دیگران بی انجامد. رشد تفکر منفعت طلبانه فردی، و تلاش هرکس برای جلب سود بیشتر (حتی در صورت ضرر جمع)

۴. مطلوبیت خشونت

عناصری در فرهنگ ما به مطلوبیت خشونت هنوز دامن می زند، فرهنگ به زنان می آموزد که نه تنها خشونت و زور مردان علیه آنان اشکالی ندارد، بلکه این امر جزء بروز و ظهور مردانگی مردان تلقی می گردد. لذا می توان گفت که جامعه، از نمایش قدرت مردان لذت می برد، و مستبد بودن بصورت تلویحی یک نوع ارزش برای آنان قلمداد می گردد. بلوغ عاطفی به این معناست که فرد به حدی از پختگی احساسی می رسد که راه حل های پیچیده تری برای مشکلات روزمره عاطفی خود پیدا می کند و از احساس خود به صورت پیچیده تری برای حل این مشکلات استفاده می کند و توانایی کنترل نوسانات شدید آن را دارد. پیچیدگی رفتار به طور معمول باعث کاهش خشونت در زندگی می شود که خشونت معمولاً جزو راحت ترین راه حل است. ضعف ایرانیان در استفاده از زبان بدن و اشاره در ارتباطات و درک آن می باشد که خود این امر باعث افزایش خشونت در ارتباطات می شود.

۵. رشد تملق

رشد مبالغه در کلمات و ارتباطات عمومی، زمینه قبول تملق و انتظار متابعت همه از آن را در فرهنگ عمومی توسعه می دهد، آن جنان که گوئی مردم در ارائه مبالغه و تعارفی جدیدتر بر یکدیگر پیشی می گیرند. نهادینه شدن این رفتار سبب می شود که کودکان به سبب آنکه آنرا دروغی مجض از سوی والدین تلقی می نمایند نه تنها از والدین خود کناره گرفته، بلکه بسوی الگوهای دیگر روی آورند. زنان آماده قبول تملق های زبانی بی اساس می گردند، و بتدریج این امر حتی از مباحث شفاهی و رفتاری گذر کرده و مباحث کتبی و گزارش های عمومی و دولتی را نیز در بر می گیرد و دیگر اطمینان و اعتماد به اطلاعات ارائه شده از سوی مجامع، مراکز، افراد از میان می رود، لذا استنادات با شک نگرسته می شود، اعتماد عمومی به یکدیگر کم می شود، و افراد به شنیدن تملقات کاذب، دل خوش می کنند. اشاعه فرهنگ چاپلوسی بخصوص در محیط های کاری صدمات جبران ناپذیری به بخش اقتصاد و ساختار اداری کشورها وارد می آورد. انسان ها باید بیاموزند بدون اغراق و صریح و با صداقت صحبت کنند ولو اینکه به ضررشان باشد. چرب زبانی صرفاً برای گرفتن امتیازات در هر زمینه ای امری نکوهیده است. هر فردی باید بتواند بدون واژه به انتقادات سالم از دیگران بپردازد و مصالح را قربانی منافع خود نکند. موارد ذکر شده از جمله مواردی است که متأسفانه در جامعه ما به صورت یک فرهنگ یا شبه فرهنگ یا بهتر بگوییم یک ضد فرهنگ در آمده، جامعه را با مشکلات زیادی مواجه کرده است و دائماً ایران اسلامی ما را از درون خالی می کند. البته بیگانه نمی تواند لایه زیرین هویت ما را مورد تهاجم قرار دهد، چون این هویت مستحکم، دینی، الهی و توحیدی است. اما خیلی راحت می تواند لایه نماد را مورد تاخت و تاز قرار دهد، کما اینکه چنین کرده است (افروغ، ۱۳۸۵).

مدیریت فرهنگی جامعه اگر در رفع این مشکلات نکوشد، آسیب های جدی تری گریبان گیر جامعه خواهد شد. بدان امید که در جهت بازگشت به هویت فرهنگی خود، گام های اساسی در راه تعالی فرهنگ جامعه ایران اسلامی برداشته شود

راهکار

انسان در اسلام دارای خصوصیات ویژه است خصوصیات روحی و روانی دارد که طبق اصل مسئولیت، انسان در قبال آنها مسئول است. می تواند یکی از دو راه را برگزیند راه فلاح و راه فجور و گرایش خود را طبق این دو راه حل شکل دهد. هدایت و ترتیب آنها طبق فرامین الهی در دست انسان است و می تواند براساس آن فرامین آنها را به نحو احسن تربیت کند و از بروز انحراف در آنها جلوگیری کند. در اسلام برای تضمین رعایت اخلاق در دو بعد فردی و اجتماعی، قوانینی نظارتی هم قرار داده است که می توان تحت دو عنوان تقوا در بعد فردی و امر به معروف و نهی از منکر در بعد اجتماعی از آنها نام برد که یکی بر پایه مسئولیت فردی و دیگری بر پایه مسئولیت اجتماعی است. برای انسان یک ناظر درونی مقرر شده است تا به کمک آن، آدمی از صحت عمل مطمئن شود و جلوی فساد را بگیرد؛ این ناظر درونی همان تقواست. انسان به تقوا سفارش شده است و برای تقویت آن هم دستورهایی صادر شده، یعنی وجود ناظر آگاهی داده شده است و برای ایجاد آن و تقویتش به بشر کمک شده است. بسیاری از عبادات از جمله روزه برای به وجود آمدن و تقویت این بعد است. حتی مسئولیتی اجتماعی برای تک تک افراد اعلام شده است تا به لزوم این عامل تذکر داده شود؛ «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» «ای کسانی که ایمان آورده اید مراقب خود باشید اگر شما هدایت یافته اید گمراهی کسانی که گمراه شده اند به شما زیانی نمی رساند، بازگشت همه شما به سوی خداست و شما را آنچه عمل می کردید آگاه می سازد» (سوره مائده/۱۰۵). امر به معروف و نهی از منکر، در هر مرتبه، بیان گر حساسیت اجتماع در مقابل اعمال زشت و ناپهناجاری است. این حساسیت وقتی به شکل مؤثری ظاهر گردد، راه را بر رواج ناهنجاری ها در جامعه می بندد. به عکس، وقتی جامعه ای در مقابل ناپهناجاری ها، هیچ گونه مخالفتی نشان ندهد یا حساسیت ها و مخالفت ها بسیار ضعیف باشد زمینه ترویج و تثبیت ناهنجاری ها فراهم می گردد و در این جا است که چه بسا ناهنجاری ها شکل هنجار به خود می گیرد و «منکرات» در پوشش معروف ظاهر می شود.

ممکن است گفته شود برای مقابله با رواج ناهنجاری ها چه ضرورتی به مداخله اجتماع است، چون وقتی دولت به عنوان نماینده اجتماع به طور قوی وارد عرصه شود بساط ناهنجاری ها برچیده خواهد شد، اما نکته مهم این است که بدون حضور و مداخله اجتماع در عرصه برخورد با مجرم و پیش گیری از جرم، اقدامات حکومتی نیز کارایی لازم را نخواهد داشت و در این جا حکومت علاوه بر آن که ناتوان جلوه

می کند که این خود از موجبات افزایش جرایم است بیش تر به عنوان مزاحم حقوق و آزادی های فردی تلقی می شود تا نهادی که عهده دار هدایت صحیح اجتماع به سمت نیکی ها است! در واقع، حساسیت جمعی و مشارکت شهروندان است که اقدامات نظارتی و کنترلی حکومت را کارآمد می سازد. امام باقر (ع) نیز می فرماید: به درستی که امر به معروف و نهی از منکر واجبی بزرگ است که با آن سایر واجبات بپا داشته می شود؛ (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۵: ۵۵).

نتیجه گیری

در این دنیای پر آشوب، تبلیغ براساس نیاز ضروری انسان به الگویی صادق و راستین (و ارائه شرایط و ویژگیهای الگوی انسانیت) تنها دریچه ای است که می توان از ورای آن، مباحثه را آغاز کرد. داشتن شیوهی زندگی اسلامی، بستر ساز تمدن نوین اسلامی و پیشرفت همه جانبه است، رسیدن به این شیوهی زندگی و عمل به آن اهمیت خود را بهتر می نمایاند. مهم ترین وجه توسعه یافتگی در سبک زندگی، رعایت قاعده و قانون در یک جامعه است. به دلایل بسیار پیچیده روانی و تاریخی و اجتماعی، میانگین ایرانی ها علاقه مند به قاعده نیست. در عوض خیلی علاقه مند است از هر روشی استفاده کند تا به منافعی برسد. رعایت حقوق دیگران بسیار مهم و کلیدی است. اتفاقاً قواعد دینی ما در این رابطه بسیار آموزنده است. افراد نسبت به یکدیگر حقوقی دارند و در نتیجه نسبت به هم وظایفی دارند. این حقوق به صورت دو جانبه است نه یک طرفه. حضرت علی(ع) می فرماید: « حق برادر دینی خود را ضایع مکن به اتکای روابطی که بین تو و اوست، چون کسی که حقش را ضایع کنی برادر تو نیست!» تعدی به حقوق دیگران مهمترین عامل ایجاد تفرقه است. این نوع از ستم به هر شکل صورت گیرد خواه در سطح وسیع همانند تعدی یک مملکت به همسایه خود و یا در حد محدود مانند تعدی همسایه ها به هم و یا فردی به فرد دیگر همه حاصل اولیه آن اختلاف می باشد. اگر افراد این حقوق را بشناسند و به آن عمل کنند و متقابلاً هم باشد مسلماً بسیاری از نزاع ها برچیده می شود و جامعه ای با روابط سالم و خوب و دوری از حق کشی و ظلم و محرومیت به وجود می آید. حضرت امیر (ع) می فرماید: « شما را دعوت می کنم به ترس از خدا و نظم در امور». شاید نظم در امور را بتوان این گونه تجزیه کرد: عقلانیت، علم گرایی، قانون گرایی، انسجام فکری این اصول جهانشمول هستند و نتیجه تجربه بشری. هیچ جامعه ای نمی تواند بدون علم، نظم و عقلانیت و انسجام و قانون گرایی توسعه پیدا کند. آیا وقتش نرسیده به تغییر نگرش و سبک زندگی بیندیشیم و به آموزه های دینی - ایرانی کشورمان با پایبندی هرچه تمام تر نگاه کنیم تا بتوانیم از پس مشکلات اجتماعی خود که همه و همه ناشی از همان نگرش سطحی غربی است فائق بیاییم. در این میان باید اذعان داشت که تنها راه حل، اطلاع رسانی و آگاهی بخشی مداوم و همه گیر به آحاد مردم می باشد

منابع:

۱. افروغ، عماد. (۱۳۸۵). «چالش های فرهنگی ایران»، روزنامه اطلاعات، شماره ۲۳۷۳۲ (پنجشنبه ۳۰ شهریور ۸۵).

۱. بهزاد پور(فضه) سیمیدخت، (۱۳۸۲)، «نقش حجاب در توسعه»، نوبت چاپ: اول، تهران انتشارات زعیب.

۲. کلاین برگ، اتو. (۱۳۴۲)، روانشناسی اجتماعی، جلد دوم، ترجمه علی محمد کاردان، تهران نشر اندیشه.

۳. کلینی رازی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، (۱۳۶۳). ج ۵، الکافی، قم، ناشر دارالحدیث

۴. سریع القلم، محمود، (۱۳۹۵) «عقلانیت و توسعه یافتگی ایران» تهران، نشر و پژوهش فرزانه روز

هفتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ از الگوی پایه به سوی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ نوزدهم و بیستم اردیبهشت ماه ۱۳۹۷